

تنگناهای زبان فارسی

● زبان فارسی همچون دیگر جنبه‌های زندگی ایرانی، با چالش‌ها و کوشش‌های فراوان خود را تا حدودی با خواست‌های زبانی زندگی مدرن سازگار کرده است ولی فقدان دید علمی و روشن نسبت به کل مساله، دخالت عوامل سیاسی و ایدئولوژیک، و سرانجام بی‌سوسامانی سیاسی و اجتماعی در چگونگی وضع آن بسیار اثرگذار بوده است. به عبارت دیگر، زبان ملی ما آینه‌ای است که آشوب ذهنی جامعه ایرانی را در برخورد با مدرنیت بازمی‌تاباند. اخیرا ویراست دوم کتاب «زبان باز» با عنوان فرعی «پژوهشی درباره زبان و مدرنیت» نوشته داریوش آشوری منتشر شده است. در مقایسه با ویراست نخست در سال ۱۳۸۷ در ویراست تازه، کتاب بازمینی سراسری شده و با گسترش بسیاری از فصل‌های آن، حجم آن به دوبرابر افزایش پیدا کرده است. آشوری در دیپاچه می‌نویسد: «این رساله دست‌آورد کار پژوهشی من درباره زبان فارسی در برخورد با جهان مدرن در دورانی چهل‌ساله است. مشکل زبانی ما در برخورد با جهان مدرن و خواسته‌های زبانی آن دو وجه از اندیشیدن و پژوهیدن را می‌طلبد: یکی، درباره رابطه جهان مدرن با زبان‌های قلمرو خود، و دیگر، وضع زبان فارسی در رویارویی با چالش مدرنیت.»

(ص ۳)

در این کتاب مباحثی مثل زبان گفتار و زبان نوشتار، خودسرانگی زبان طبیعی، تاریخ پیدایش زبان‌های مدرن، بستر زبانی مدرنیت، تکنیک‌های واژه‌سازی مکاتیبکی و رویارویی زبان فارسی و مدرنیت بررسی می‌شود. آشوری در پژوهش خود، دوران مدرن را با «جامعه باز» یکسان در نظر گرفته است. براین‌اساس، همان‌گونه که جامعه مدرن جامعه‌ای باز است، زبان مدرن هم زبانی باز است و جامعه باز، به زبان باز نیاز دارد. آشوری در ابتدای کتاب به تشریح چگونگی رشد زبان‌های مدرن (انگلیسی و فرانسه و آلمانی) از دل زبان‌های طبیعی و بومی می‌پردازد. از دید آشوری زبان‌های پیشاکنک مدرنیت، زبان‌هایی هستند که پایه‌یای رشد ذهنیت و فرهنگ و مدنیت مدرن، از خلال جنبش رنسانس در غرب اروپا و از دل فضای زبانی اروپا برآمده‌اند. این زبان‌ها از سویی، در درون خود، حاصل دگرگشت‌های تاریخی زبانی اند، و از سویی دیگر، برآمده از دل تاریخ فرهنگ در اروپا. بنا به تعریف آشوری مدرنیت، نامی است برای صورت نوینی از زندگی و رفاه بشری که در قالب شناخت علمی، سازمان‌بندی تکنیکی و صنعتی، همراه با صورت تازه‌ای از نهادهای سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و فرهنگ درخور آن، شکل گرفته است.» (ص ۱۴۷)



زبان باز

پژوهشی درباره زبان و مدرنیت
داریوش آشوری
ناشر: مرکز
قیمت: ۲۹۵۰۰ تومان

در بخش دوم کتاب، آشوری به مواجهه تاریخی زبان فارسی با مدرنیته می‌پردازد و به صورت موردی به تصمیمات و سیاست‌های دولتی در سه دوره مختلف اشاره می‌کند: اولین رویداد اساسی در راستای درپیش‌گرفتن سیاست رسمی زبانی برپایه فرهنگستان زبان ایران در سال‌های پایانی حکومت رضاشاه بود. شورای‌عالی فرهنگستان از ادیبان برگزیده‌ای با گرایش ناسیونالیستی تشکیل شده بود. این نهاد نماینده سیاست زبانی رضاشاهی در جهت پروژه ملت‌سازی مدرن بود و از پشتیبانی قدرت مطلق او برخوردار بود. فرهنگستان دوم به فرمان محمدرضاشاه در پایان دهه چهل برپا شد. ریاست آن به دست صادق کیا استاد زبان پهلوی، از شاگردان مکتب ذبیح پهلرز، بود. این مکتب گرایش تندرو ایران‌پرستانه و ضدعرب‌داشت و هوادار فارسی سره بود. فرهنگستان سوم در دوران جمهوری اسلامی برپا شد. «این فرهنگستان در کنش‌کنش‌های ایدئولوژیک بر سر سیاست زبانی، کم‌وبیش سیاستی ترازمندتر از فرهنگستان دوم در پیش گرفته است، گمان می‌رفت که این فرهنگستان، با تکیه بر دیدگاه‌های محافظه‌کارانه در مورد زبان فارسی، سیاستی در جهت عربی‌مآب‌ترکردن آن در پیش بگیرد اما نگرهای علمی‌تر نسبت به زبان در پیش گرفته است. فرهنگستان سوم، بی‌آنکه در سیاست رسمی خود اعلام کرده باشد، بنا به ضرورت زمانه و پیشرفت نسبی زبان علمی در فارسی و نیازهای چارنابذینر آن، دنباله کارهای فرهنگستان دوم و روش «دایره‌المعارف فارسی» را پیش گرفته و بسیاری از واژه‌های ساخته و پرداخته آن دو را در فهرست واژه‌های تصویب‌شده خود آورده است. از جمله ده‌ها واژه از واژه‌های پیشنهادی مرا در «فرهنگ علوم انسانی»، البته بی‌آنکه نامی از این مرجع‌ها ببرد. (ص ۲۰۴) آشوری نهایتا با مقایسه دست‌آورد‌های سه فرهنگستان، در مقام مرجع‌های رسمی بازمینی توسعه زبان فارسی، و بنیادهای نظری‌رسان در برخورد با مساله نشان می‌دهد که ما هنوز از مرحله کپی‌برداری و تقلید، به نگرش علمی به زبان نرسیده‌ایم و فرهنگستان‌ها هر سه دوره در پی پاسخگویی به هجوم واژه‌ها از زبان‌های اروپایی و پالایش زبان فارسی از تهدیدهای آنها بوده‌اند. هر سه با واژه‌های «بیگانه» طرف بوده‌اند، خواه از سر چشمه زبان عربی، خواه زبان‌های مدرن اروپایی.

اندیشه

اعتصاب‌های توده‌ای، اشغال دانشگاه‌ها و مبارزات فرانسه در راه آینده کامل

مه ۱۹۶۸ دیگری در راه است یا از آن فراتر می‌رویم؟

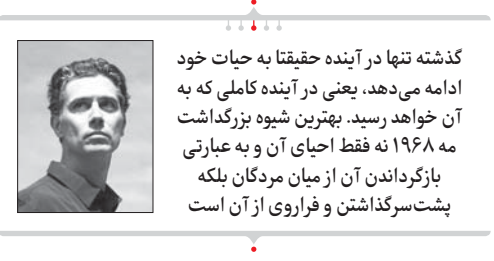
کابریل راکهیل · ترجمه: رحمان بوذری



هم کشیده شده. فقط همین هفته سه دانشگاه دیگر در پاریس اشغال شد (پاریس ۳، مدرسه عالی مطالعات علوم اجتماعی پاریس، دانشگاه نانتر)، علاوه بر دانشگاه‌های پاریس ۱ (تولیباک و سن‌شارل)، پاریس ۸ و پاریس ۴ که از قبل تحت اشغال دانشجویان بودند. دانش آموزان دبیرستانی به این جنبش پیوسته‌اند و بیش از ۴۰۰ تن از اساتید دانشگاه طرح‌های حکومت را محکوم کرده و آن را پوچ و مملو از تبلیغات گمراه‌کننده خوانده‌اند.

علاوه بر دانشجویانی که وسایل تولید فکری را تسخیر کرده‌اند، کارگران راه‌آهن فرانسه اعلام کرده‌اند در اعتراض به کارزار خصوصی‌سازی مکرون علیه بخش‌های عمومی به مدت سه‌ماه اعتصابی برنامه‌ریزی‌شده و گام‌به‌گام می‌کنند. این همان کارزار تجاری است که مکرون راه انداخته تا حقوق استخدامی کارگران را قطع کند به نحوی که مزدبگیران جدید از همان امنیت شغلی سابق با تسهیلات بازنشستگی برخوردار نباشند. او می‌خواهد شرکت راه‌آهن ملی فرانسه (SNCF) را از بیخ‌وبن دگرگون کند و آن را در فهرست شرکت‌های سهامی عام قرار دهد، چیزی که از نظر بسیاری مقدمه خصوصی‌سازی است. مشارکت مأموران قطارها (۷۵ درصد) و کنترل‌چی‌ها (۷۱ درصد) در این اعتصاب‌ها بسیار بالا بوده، و دولت مکرون مدام برنامه «اصلاحی» خود را تغییر می‌دهد و به ابهام‌ها و مناقشات موجود در پارلمان دامن می‌زند. در سال ۱۹۹۵ اعتصاب‌هایی که هفته‌های متمادی فرانسه را فلج کرده بود، آل ژویه نخست‌وزیر وقت را واداشت دست از برنامه تغییر مزایای کارکنان راه‌آهن بردارد.

کارگران اعتصاب‌کننده راه‌آهن با دانشجویان همکاری می‌کنند و اقدامات آنها همراه شده با اعتصاب‌های دیگری در بخش‌های عمومی و خصوصی، از جمله، خلبانان ایرفرانس، کارگران شبکه برق و گاز و کارکنان جمع‌آوری زباله که خواستار یک بخش خدماتی ملی و عمومی برای جمع‌آوری زباله‌ها هستند. فراخوان‌های متعددی هست برای اقدامات هماهنگ در آینده نزدیک، و چندین و چند تاریخ مشخص شده برای مبارزات مشترک و همگرا



بین کارگران و دانشجویان، کنفدراسیون عمومی کار فرانسه (CGT)، یکی از بزرگ‌ترین کنفدراسیون‌های اتحادیه‌های کارگری، برای ۱۹ آوریل فراخوان اعتصاب عمومی داده تا کارگران بخش عمومی و بسیاری دیگر را گردهم جمع کند که از طرح‌های لیبرال‌سازی دولت مکرون متضرر شده‌اند (به همه این‌ها می‌توان سیاست‌گذاری‌های مهاجرتی سخت‌گیرانه و قوای نظارتی سرسختانه‌ای را افزود که اقدامات «صندتوریستی» آغاز آن بود)، وانگهی، هم‌کنشون مبارزه‌ای در جریان است حول محور اخراج نظامی‌وار افرادی که زمین‌های نوتردام را اشغال کرده بودند و تلاش برای تخریب خانه‌های آنها (جنبش «دفاع از منطقه» از Zone to Defend که با عنوان ZAD شناخته می‌شود). منطقه‌ای خودمختار که به‌طور جمعی اداره می‌شود و نه‌تنها موفق شده از زیر یوغ دولت فرانسه و طرح آن برای تسخیر زمین‌های این ناحیه و ساخت فرودگاهی در آن بدرآید، بلکه یک جامعه خودگردان جمعی تأسیس کرده است. اگر نمایندگان منتخب فرانسه تصمیم دارند از بالا جنگی علیه خودمختاری پروژه «راد» را بیندازند، بسیاری می‌پرسند آیا زمان قیامی از پایین و خودمختاری (ZADification) فرانسه فرا نرسیده‌ا که با ریشه‌کن‌کردن حاکمان فعلی آنها را که در سودای حکومت بر مردمان است صحنه بدر کنیم؟

هر بزنگاه تاریخی ویژگی‌های خاص خود را دارد، و تفاوت‌های مهم

درباره مفهوم شر

پروپاگاندا (تبلیغات)، جنگ، سرکوب، آموزش، قدرت و تسلّکشی از موضوع «شر» متأثر است. خبرگزاری اپینا با پروفسور چارلز تالیافورو، ویراستار این مجموعه ۶جلدی در خصوص جلد پنجم این‌ اثر، گفت‌وگوی کوتاهی انجام داده است. او استاد دانشگاه‌های آکسفورد، کلمبیا، پرینستون و نوتردام آمریکا بوده و در حال حاضر استاد فلسفه کالج سنت‌اولاف در مینه‌سوتای آمریکا‌ست. چارلز تالیافورو از فیلسوفان برجسته دین در عصر حاضر به شمار می‌آید و در این حوزه صاحب آثار ارزشمندی است. وی دانش آموخته دانشگاه براون و هاروارد بوده و عضوانجمن فیلسوفان آمریکا به شمار می‌آید. تاکنون از پروفسور چارلز تالیافورو کتاب‌های زم‌مینه‌های بحث فلسفی در ادیان جهان» به همت انتشارات حوزه علمیه قم، «صنات خدا: مقالاتی از راهنمای فلسفه دین» با ترجمه رضا بخشایش توسط پژوهشکده حوزه و دانشگاه و کتاب «فلسفه دین در قرن بیستم» با ترجمه انشاءالله رحمتی و جعفر صدری

بسیاری هم بین فرانسه ۲۰۱۸ و ۱۹۶۸ وجود دارد. البته با توجه به اینکه دانشجویان و کارگران در سراسر کشور به با خاسته‌اند، مبارزه مشترکی علیه خصوصی‌سازی بی‌امان جهان در جریان است که روزبه‌روز افراش بیشتری را گرد خود جمع می‌کند، و همین نکته مسائل فوری و فوتی درباره آینده و نیز گذشته‌ای که می‌خواهد تغییرش دهد پیش می‌کشد. اتفاقاتی که الان در حال وقوع است می‌تواند به سیاست تسکین‌بخشی و آرام‌سازی موقت بینجامد، دولت فعلاً طرح‌هایش را متوقف کند و امتیازهای کوچکی به مخالفان بدهد، به این امید که فعالان سیاسی بعد از هفته‌ها اشغال دانشگاه‌ها و فضاهای عمومی و حمله‌های پلیس خسته و مانده شوند و این امتیازات را نماد موفقیت خود بدانند. ضمناً با سیاست تسکین‌بخشی به ماه‌های خاموش تابستان نزدیک می‌شویم، چون معمولاً آتش جنبش‌ها در فرانسه حول‌وحوش ایام تعطیلات ژوئیه و اوت سرد می‌شود، و دولت هم این نکته را خوب می‌داند.

بنابراین چه زمانی بهتر از الان برای شدت‌دادن به مبارزات کنونی، بسط راهبردهای جدید و جلوگیری از عقبرگدها و شکست‌هایی که به کرات در گذشته اتفاق افتاده‌اند، اگر کار این جنبش به اینجا برسد که در وهله اول بر تغییرات جزئی نظام آموزشی و بخش دولتی تأکید کند، یا اینکه صرفاً بر مکرون و سیاست انتخاباتی متمرکز شود، مسلماً افق دید آن محدود و توقع آن پایین خواهد بود. تازه اگر هم چیزی تغییر کند، دیر یا زود اقدامات مشابهی را می‌افتد، شاید فقط اندکی متفاوت در شکل‌وشمابلی دیگر. ولی اگر برنامه بسیج نیروها در مدن‌ساختن جماعت‌هایی بدیل برای آموزش عمومی انتقادی، حمل‌ونقل عمومی رایگان و متناسب با محیط زیست، و نیز سایر خدمات اجتماعی که به‌طور جمعی اداره می‌شود، سازمان‌های سیاسی وانجمن‌های مستقل باشند، در آن صورت با شروع آینده‌ای روبه‌رو خواهیم بود که از لنگر رکود گذشته رها شده. مبارزات مشترک و همگرا فقط حول یک «محتوای خاص»، «فرم عام» سرمایه‌داری معاصر در فرانسه به هم نمی‌پیوندند بلکه حول «خود این فرم عام» گرد هم می‌آیند که محتوای آن همواره تغییر می‌کند. با چنین مبارزاتی می‌توان نظم اجتماعی نویی ساخت - چنان‌که همین الان بسیاری ساخته‌اند - که در آن مقاومت‌های موضعی و واکنشی در برابر طرح‌های خاص جای خود را به سازماندهی جمعی فعال و ساختن کمون‌های خندرسمایه‌داری می‌دهد که در سال‌های آتی رشدنمو می‌کنند و ادامه خواهند یافت. با بسیج همه سازمان‌ها و انجمن‌های نقد موجود - و بهره‌گیری از تجارب تاریخی همچون جنبش شب‌خیزان، اعتراضات علیه قوانین کار نولیرال فرانسه، حمایت سازماندهی‌شده از کارگران بی‌اوراق - چنین جنبشی می‌تواند با جنبش‌های خارج از فرانسه در هم آمیزد و یک جبهه بین‌المللی از جماعت‌های خندرسمایه‌داری هماهنگ با یکدیگر به بار آورد.

هنوز معلوم نیست از طرح‌های ضداتوپیاپی مکرون برای بازپس‌گرفتن روح ۶۸ در راستای اهداف مدرن‌سازی لیبرالی چه در پیاید. ولی هرچه هم در بیاید، همین الان سیاستی مبتنی بر تغییر شکل و احیای رادیکال ۶۸ با قدرت تمام جلوی این طرح‌ها را گرفته، سیاستی که بسیاری امید دارند مه ۶۸ را پشت‌سر بگذارند (شعارهایی مثل «کاری می‌کنیم آرزو کنید این هم به کوچکی مه ۶۸ باشد» یا «گویرد ۶۸» همین الان سرزبان‌هاست). ولی هنوز چیزی معلوم نیست. حال سابقه آموزش سیاسی همه فعالان جنبش با فوریت وضعیتی مواجه خواهد شد که در آن بالا‌بازر باید خود را عیان کند. هرچه نباشد، گذشته تنها در آینده حقیقتاً به خود حیات ادامه می‌دهد، یعنی در آینده کاملی که به آن خواهد رسید. بهترین شیوه بزرگداشت مه ۱۹۶۸ نه فقط احیای آن و به عبارتی بازگرداندن آن از میان مردگان بلکه پشت‌سزگذاشتن و فرآوری از آن است. با بیرون‌کشیدن آن از مقبره تقدیسی که نثارش می‌شود و تبدیل آن به یک تحول بی‌موقع، حاضر، مه ۶۸ تنها همان چیزی خواهد بود که در آینده کامل خود بعد از ۲۰۱۸ به آن خواهد رسید.

منبع:Counterpunch
تاریخی مهم در مورد شر و اینکه «خبر» نسبت به شر پیشینی و بنیادی است، حمایت می‌کند. با توجه به اینکه همه همکاران ما، محققان حوزه‌های گوناگون مطالعاتی از فلسفه و الهیات، تا تاریخ‌اند، ما خود را به درک ماهیت شر متعدد و از ابزارهای رشته خود استفاده می‌کنیم جهت وضوح و روشنی آموزش خود و بررسی آنچه ما را به آسیب‌رساندن به دیگران، انجام رفتارهای غیرمنصفانه و ... و ما می‌دارد. به عبارت دیگر، ماهیت شر از تحقیقات ما باید شامل تعهدات نسبت به یکپارچگی فکری، بی‌طرفی، رعایت انصاف در مقابل افراد و موضوعاتی باشد که ما تحلیل می‌کنیم. حسادت، بی‌انصافی، تعصب و کینه و خشم تحقیقات ما را به نتیجه نمی‌رساند.» او در پایان ضرورت نوشتن این آثار را این‌گونه بیان می‌کند: «با توجه به پیشرفت تکنولوژی و افزایش توانایی بشر در نابودی بیشتر انسان‌ها و جهان که در حال حاضر جنبه‌ای غیرقابل تصور پیدا کرده، فکر می‌کنم اکنون بیش از هر زمان دیگری برای اختصاص‌دادن زمان به یادگیری از گذشته در مورد ماهیت، جذابیت و قدرت ما برای مقابله و مقاومت در قبال شر لازم و ضروری است.»

بررسی

فوکویاما: تقدم توسعه آمرانه بردموکراسی

● فرانسیس فوکویاما، استاد دانشگاه و تحلیلگر راست‌گرای آمریکایی است که با نظریه «پایان تاریخ» به شهرت جهانی رسید. اواخر قرن گذشته بود که اعلام داشت با فروپاشی شوروی و پیروزی لیبرال‌دموکراسی به‌عنوان جریان غالب، مسلط و بهترین نظام اجتماعی و سیاسی ممکن، تاریخ نیز به پایان رسیده و همه کشورها و جوامع باید در برابر آن تسلیم شوند. او این پایان را پایانی خوش نامید، بنابراین نظام سیاسی بهتر و مناسب‌تری وجود ندارد که جایگزین این نظام شود. اعلام این حکم منتقدان و همچنین هواداران بسیاری برای او در جهان به ارمغان آورد. در ایران نیز عده‌ای را شیفته فوکویاما کرد، تا جایی که هنوز مجلاتی در ایران هر ماه مقالات او را ترجمه و منتشر می‌کنند و ایده‌هایش را به خواننده فارسی‌زبان می‌رسانند. دیری نپایید که پایان خوش تاریخ به پایان خود رسید: بحران مالی و اعتباری در سراسر جهان، فقر و بیکاری گسترده، تروریسم و رشد فضای امنیتی در جهان، جنگ‌های نیابتی، بحران زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی، قحطی و خشک‌سالی، بحران فراگیر پناهجویان و غیره تنها بخشی از بحران‌های جهان حاضر است که نشان می‌دهد پایان خوشی در کار نبود. با این حال، فوکویاما پس از کتاب جنجالی «پایان تاریخ»، کتاب دیگری نوشت که از زمان انتشار تاکنون بحث‌های دامنه‌داری را درباره نسبت توسعه و دموکراسی، ویژه‌خواری و اهمیت نظام اداری در دنیای امروز دامن زده است: «نظم و زوال سیاسی» که در سال ۲۰۱۴ منتشر شد و ازجمله کتاب‌های پرفروش آمریکا در آن سال بود. کتاب حاضر اخیراً به همت انتشارات روزنه منتشر شده است. پیش‌تر نیز کتاب‌های «پایان تاریخ و آخرین انسان» و «آینده فرا انسانی ما» به فارسی ترجمه و منتشر شده‌اند.

از زمان انتشار کتاب حاضر در محافل سیاست‌گذاری آمریکا بحث‌های بسیاری درباره آن شده است. فوکویاما در پایان این کتاب از ظهور مجدد ویژه‌پروری یا پدرسالاری در آمریکا اظهار نگرانی می‌کند. او در این کتاب فرض اصلی استاد خود، ساموئل هانتینگتون، را می‌پذیرد که تولید قدرت مقدر بر محدودکردن آن است. البته او می‌گوید اگر هانتینگتون در دهه ۱۹۶۰ می‌توانست از تقدم توسعه‌گرایان بر دموکراسی سخن بگوید، امروزه و درپی افزایش دموکراسی در جهان طرح چنین ادعایی آسان نیست. درنتیجه تضاد میان تولید قدرت و محدودکردن آن بیش از گذشته تشدید شده و خود را نشان می‌دهد.



نظم و زوال سیاسی

فرانسیس فوکویاما
ترجمه: رحمن قهرمان پور
ناشر: روزنه
قیمت: ۵۰۰۰۰ تومان

اگرچه فوکویاما پاسخی صریح نمی‌دهد که تقدم با توسعه آمرانه است یا دموکراسی، «خواننده تیزبین درمی‌یابد که او دل در گرو توسعه آمرانه دارد و هنوز آن را مقدم بر دموکراسی و مهم‌تر از آن می‌داند.» (ص ۸) گذشته از این فوکویاما در این کتاب توجه ویژه‌ای به الگوی بوروکراسی یا خدمات کشوری برده و آن را در آن نمونه اعلامی از یک بوروکراسی مستقل و کارآمد می‌داند که تاکنون در برابر تلاش سیاستمداران برای تحمیل افراد حزبی و وابسته خود مقاومت کرده است. او حتی در این ارتباط، داستان طولانی اصلاح نظام اداری و به عبارت دیگر خدمت دولت کشور را در کشورهای بریتانیا و آمریکا باز می‌گوید و نشان می‌دهد چگونه شکل‌گیری یک ائتلاف قدرتمند باعث می‌شود قوانین و مقررات خدمات کشوری تغییر کند و در خدمت ظهور دولت مدرن قرار گیرد. البته این کتاب را نمی‌توان صرفاً اثری درباره دولت و حتی بوروکراسی دانست. نویسنده می‌گوید ارتباط میان موضوعات متعددی چون دموکراسی، بوروکراسی، حاکمیت قانون، فساد سیاسی، دولت‌سازی، حامی‌پروری و نقش نخبگان سیاسی را در مناطق و کشورهای مختلف بررسی کند. همچنین قصد دارد با نگاهی تطبیقی نشان دهد چرا در قاره آفریقا برخی کشورها در امر توسعه و دولت‌سازی موفق بودند و برخی شکست خوردند.

بدین‌ترتیب کتاب حاضر دو داستان را روایت می‌کند: نخست داستان برآمدن نظم سیاسی مدرن از طریق تکیه بر بوروکراسی قدرتمند در کشورهای مثل هلند، آلمان، ژاپن، بریتانیا و آمریکا و پدرسالاری در نظام‌های دموکراتیک نوظهور و حتی باثبات بار دیگر اهمیت وجود یک نظام اداری مستقل شایسته‌سالار در حال افزایش است، ازاین‌رو، نتیجه می‌گیرد چالش آینده دموکراسی‌ها برقراری توازن میان حاکمیت قانون از یک سو و حکمرانی خوب و کارآمد از سوی دیگر است.